

بوی خوش گل محمدی

روایات حضرت مهدی (عج)

(ندائی خطیبی به روایات شیعه و اهل سنت)

تألیف و ترجمه:

دکتر محمد حسن فوادیان

دانشیار دانشگاه تهران

سمیه برزین

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه تهران

www.ketab.ir

سرشناسه : برزین، سمیه، دکتر محمد حسن فوادیان - ، گردآورنده و مترجم.
 عنوان و نام : بوی خوش گل محمدی: روایات حضرت مهدی (عج) (نگاهی پدیدآور تطبیقی به روایت شیعه و اهل سنت) / تالیف و ترجمه سمیه برزین. دکتر محمد حسن فوادیان
 مشخصات نشر : تهران: ماهتاب، ۱۳۸۹.
 مشخصات : ۱۵۱ ص. ۲۹×۲۲ س.م.
 ظاهری
 شابک : ۲۰۰۰۰۰ ریال ۶-۶۹-۷۸۰۹-۹۶۴-۹۷۸
 وضعیت فهرست : فیا
 نویسی
 موضوع : محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - - احادیث
 موضوع : محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - - احادیث اهل سنت
 موضوع : مهدویت-- مطالعات تطبیقی
 رده بندی کنگره : ۲۲۴BP/ب۳۷-۹۰۹-۱۳۸۹
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲
 شماره : ۲۰۳۰۳۸۱
 کتابشناسی
 ملی
 تاریخ درخواست : ۱۳۸۹/۰۲/۱۳
 تاریخ پاسخگویی : ۱۳۸۹/۰۲/۱۸
 کد پیگیری : ۲۰۳۰۳۴۹

عنوان	بوی خوش گل محمدی
تالیف و ترجمه	سمیه برزین و دکتر محمد حسن فوادیان
ناشر	: ماهتاب
تیراژ	: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت	: ۲۰۰۰ ریال
طراحی روی جلد	: مینا جکمت
چاپ اول	: ۱۳۸۹
شابک	: ۶-۶۹-۷۸۰۹-۹۶۴-۹۷۸

پیشگفتار

از مهمترین اعتقادات مسلمانان اعتقاد به مهدویت است، اهمیت این موضوع به اندازه ای است که بخش وسیعی از تألیفات نویسندگان اسلامی را به خود اختصاص داده است، باورداشت ظهور منجی و برپایی دولت عدل گستر او در سرتاسر جهان، تنها عقیده ی مسلمانان نیست بلکه از نقاط مشترک ادیان آسمانی و غیرآسمانی است و علیرغم اینکه این عقیده با وجود پاره ای از اختلاف نظرها در میان مسلمانان - از مشترکات شیعه و سنی است، اما عده ای به سبب ناآگاهی و یا انگیزه ای خاص درصدد بر آمده اند که آن را نشأت گرفته از تفکر شیعه معرفی کنند و جالب است بدانیم پیش از این اتهام جعلی بودن حدیث های مهدویت از سوی برخی از خاورشناسان همچون گلدزیهر مطرح شد .

کتاب های روایی اسلامی به موضوع موعود و موعود باوری به شکل مجموعه ای از احادیث منقول از پیامبر اکرم(ص) و برخی از پیشوایان دینی پرداخته است و نگاهی به منابع روایی اهل سنت چون سنن ابن ماجه، سنن ابی داوود، سنن ترمذی، مسند احمدبن حنبل و کتاب های شیعی چون کافی، غیبت طوسی، أمالی شیخ صدوق ثابت می کند که این مسأله در کتاب های شیعیان نسبت به کتب اهل سنت از جایگاه والاتری برخوردار است با این وجود نویسندگان مسلمان برای تبیین و تثبیت آن، به فراخور موقعیت و توان خویش قدم های زیادی برداشته و تألیفات جداگانه ای در این موضوع داشته است .

موضوع این نوشتار ترجمه ی کتاب العرف الوردی فی اخبارالمهدی(ع) تألیف عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی که از بزرگاه علم حدیث در قرن دهم هجری است همراه با رساله ی ارزشمند شیخ محسن عباد آل البدر با عنوان «عقیده اهل السنه و الأثر فی المهدی المنتظر» می باشد که محمدکاظم موسوی پژوهش و بررسی آن را انجام داده است و در پایان سعی کردیم با سیری در روایات شیعه و اهل سنت به بررسی نقاط اشتراک و اختلاف این مساله در این دو مذهب بپردازیم .

این نوشته در شناساندن و تثبیت باور داشت ظهور منجی بین مسلمانان با احادیث و اسناد معتبر و راویان موثق کوشیده است، از یکسو سیوطی سعی کرده به زعم خویش بر اصول حدیثی معتبر تکیه کرده و در جمع آوری مطالب و احادیث دقت بسیاری به عمل آورد و از سوی دیگر محقق عالی قدر نیز با دقت و موشکافی عالمانه‌ی خویش موارد اختلافی احادیث و اقوال معارض و مشابه احادیث را در پانویست و ذیل هر حدیث بطور مفصل مورد کاوش قرار داده و به نقد احادیث ضعیف و غیر صحیح پرداخته و سره را از ناسره جدا کرده است.

جناب آقای محمد کاظم موسوی به مقاله ای تحت عنوان عقیده اهل السنه والأثر فی المهدی المنتظر اثر شیخ عبدالمحسن آل البدر دست یافته و به خاطر اهمیت علمی آن و در برداشتن مباحث مهم پیرامون مسأله‌ی مهدی منتظر آن را به عنوان مقدمه‌ی این کتاب برگزیده است .

با توجه به اینکه ترجمه‌ی متون دینی نیازمند اطلاعات حدیثی و دقت فوق العاده است زیرا در آن سخن از رهنمودها و احادیث پیامبر اکرم (ص) است لذا کمترین کوتاهی، انحراف افکار از گفتار پیامبر اکرم (ص) و ائمه‌ی معصومین را به دنبال خواهد داشت از این رو به خاطر مراعات امانت در اینگونه متون که از اهمیت بسزایی برخوردار است گاهی ناچار می شدیم از محدوده‌ی ترجمه‌ی تحت اللفظ پا را فراتر نگذاریم اما در عین حال تمام تلاشمان بر این بوده که معنا و مفهوم مورد نظر روایت را با الفاظی مأنوس به مخاطب انتقال داده و ترجمه‌ی دقیق و روان ارائه دهیم. البته علاوه بر ترجمه‌ی تحت اللفظی با حفظ معنا و مفهوم اصلی، در برخی از روایات از ترجمه‌ی تفسیری نیز استفاده کردیم.

امیدواریم تألیف این کتاب بتواند در گسترش اندیشه‌ی مهدویت و ارتباط هر چه بیشتر فرقه‌های اسلامی و اتحاد مسلمانان در ساخت و آماده سازی جامعه به سوی دوره‌ی رهایی بخش و دولت کریمه‌ی موعود (عج) مفید واقع شود.

در پایان از استاد محترم دانشگاه تهران سرکارخانم دکتر شبستری که از ابتدا تا انتهای کار

راهگشای کار بوده اند و از هیچ تلاشی در بهبود کیفیت آن دریغ نورزیده اند کمال تشکر را داریم
مزید امتنان است که ابراز نظرات کارشناسی و اصلاحی صاحب نظران و همکاران به منظور
افزایش بار علمی و ارتقاء کیفیت کتاب، ما را در امر خدمات هرچه بیشتر یاری نماید.
به امید شفاعت الگویی که خداوند در قرآن در باره اش فرمود: «لقد کان لکم فی رسول الله
أسوه حسنه» احزاب / ۲.

ومن الله التوفیق و علیه التکلان

سمیه برزین

www.ketab.ir

فهرست مطالب

عنوان

مقدمه.....	۱
سخن محقق.....	۸
زندگینامه ی سیوطی.....	۱۰
مشهورترین تألیفات او.....	۱۱
وفات او.....	۱۲
خلاصه ای از زندگی شیخ عبدالحسین عباد آل بدر.....	۱۳

مقدمه ی عقیده ی اهل سنت و روایات مهدی منتظر

عقیده ی اهل سنت و روایات مهدی منتظر.....	۱۵
نام صحابه ای که احادیث مهدی (ع) را از رسول اکرم روایت کرده اند.....	۱۹
نام بزرگانی که احادیث و اخبار وارده در خصوص مهدی (ع) را در کتابهایشان آورده اند.....	۲۲
نام کسانی که کتاب هایی را در موضوع مهدی (ع) نوشته اند.....	۲۵
ذکر نام برخی از کسانی که قائل به تواتر احادیث مربوط به حضرت مهدی (ع) هستند.....	۲۸
اشاره به برخی از احادیث مربوط به مهدی (ع) در صحیحین.....	۳۱
نام برخی از دانشمندانی که به احادیث مهدی (ع) استناد کرده اند.....	۳۴
نام برخی از کسانی که منکر احادیث مهدی (ع) هستند یا در امر او شک دارند.....	۴۶
سخن پایانی.....	۵۱

العرف الوردی فی أخبار المهدی

ترجمه ی العرف الوردی فی أخبار المهدی.....	۵۲
سخن آخر.....	۱۲۱

مهدویت در آینه ی روایات شیعه و اهل سنت.....	۱۲۴
---	-----

www.ketab.ir

هرکس به مطالعه ی اخبار فتنه ها و درگیری های آخرالزمان می پردازد خود را در مقابل برخی از تصوراتی که اوضاع آن دوران را دربر می گیرد و طبیعت زندگی در فضای سایه افکنی که درگیری شمشیرها و نبود گفتگو و تعامل در میان آن خودنمایی می کند می یابد.

مطالعه ی روایات و اخبار رعب انگیزی که محدثان و مورخان به رشته ی تحریر در آورده اند از حوادث ویرانگر و کشتار، ضایع شدن حق، سلطه ی قوی بر ضعیف و ناامنی بین ملت ها، در شناخت اوضاع آن زمان ما را بسنده می کند بخصوص آن دسته از روایاتی که تعارض ادیان و برخورد تمدن ها را به تصویر می کشند در این روایات آمده است که چشم امید همه به مردی از آل محمد (ص) دوخته شده است که صراحتاً به نام او و نام پدرش و صفات جسمی و اخلاقی او اشاره کرده اند و اینکه او در آخرالزمان ظهور می کند تا زمین را از قسط و عدل پر کند بعد از آنکه از ظلم و جور انباشته شده است پس برای اسلام اصیل بزرگترین فرصت فراهم می شود تا به سوی پیروزی روانه شود و سرزمین ها را فتح کند و اهل خود را از آتش ستمکاران و آنانی که اعمالشان پوچ و بیهوده است نجات دهد.

این در حالیست که می بینیم مسأله ی مهدویت در اندیشه ی مسیحیت نیز وجود دارد، این اندیشه از ظهور منجی جهان و صاحب پرچم عتیق سخن می گوید که ظهور کرده و با افراد مفسد و متکبر رو در رو می شود و قدرت های بزرگ علیرغم سلطه و عظمتشان در مقابل او سر تسلیم فرود می آورند و این نظریه ی غربی که در درون خود رویکردی فرقه ای دارد از محدوده ی وجود آن نجات بخش یعنی خود مسیح خارج نمی شود.

و نظریه ی دیگری وجود دارد با این مضمون که این منجی جهانی مجد و عظمت گذشته ی آئین مسیحیت را بر نمی گرداند بلکه یهودیان را که در معرض سرکوب و ظلم قرار گرفته اند نجات

خواهد داد! و بدین وسیله سعی در ارائه‌ی تصاویر و اشکالی از جامعه‌ی یهودیان دارد که نیروهای توانمند در دوسطح اقتصادی و نظامی بدان تکیه می‌کنند تا تلاشی را برای واژگونه جلوه دادن چهره‌ی تاریخ به بهترین شکل انجام دهند.

همچنین برای مسأله‌ی نجات بخش بشریت و ظهور او در آخرالزمان بازتابی از اشارات و ادعاهای به صورت صریح و یا کنایی در ادیان قدیمی نزد چینی‌ها، مغول‌ها، بوداییان، آتش پرستان، هندی‌ها و حبشی‌ها وجود دارد.

اعتقاد به قطعیت ظهور مصلح دینی و ایجاد دولتی عدالت گستر که بر سرتاسر گیتی سایه می‌اندازد تنها مختص مسلمانان نبوده و فقط از فکر و اندیشه‌ی آنان نشأت نمی‌گیرد بلکه از نقاط مشترک و آشکار بین ادیان توحیدی و غیر توحیدی است. مسلمانان منتظر ظهور مهدی موعود (عج) که خود در انتظار است می‌باشند، مسیحیان به غیبت عیسی (ع) و بازگشت او در آخرالزمان ایمان دارند، یهودیان چشم انتظار بازگشت عزیر (ع) اند همانسان که مسیحیان حبشه منتظر بازگشت پادشاهشان تنودور که به منزله‌ی مهدی (ع) در آخرالزمان است هستند و هندی‌ها به ویشنو و آتش پرستان به روشیدر و بودایی‌ها به بودا اعتقاد دارند و بوداییان برای تعجیل در ظهورش نام او را در دعاهایشان می‌آورند.

حتمیت ظهور منجی بشریت با امداد غیبی مورد اتفاق همگانی است اما اختلاف در مسأله‌ی تعیین هویت این منجی جهانی است که عهده دار تحقق اهداف انبیاء است.

نکته‌ی دیگر اینکه همه‌ی اینها به مطالبی صریح یا کنایی در کتابهای مقدس آنان و قدمت وریشه داری این عقیده و اینکه این اندیشه اصل مشترک دعوت همه‌ی انبیاء و آموزشهای مقدس آنان است باز می‌گردد و مربوط به تفاسیر عالمان و راهبان آنان نیست که مقتضی ایجاد اطمینان نسبت به این امر حساس باشد.

شایان ذکر است که ایمان به قطعیت ظهور او تنها مختص ادیان نیست بلکه مکاتب فکری و فلسفی مشهور نیز به این موضوع پرداخته اند چرا که در میراث فکری - انسانی متون زیادی وجود دارد که صریحاً به این مسأله اشاره کرده اند.

«برتراند راسل» متفکر و فیلسوف مشهور بریتانیایی می گوید: جهان در انتظار مصلحی است که آن را زیر پرچم و شعاری واحد متحد سازد.

«آلبرت انیشتین» دانشمند معروف می نویسد: روزی که صلح و صفا بر جهان حاکم می شود و مردم با هم برادر و دوستدار یکدیگر می گیرند دور نیست و این جمله اشاره‌ی واضحی به ضرورت ظهور مصلح بزرگ جهانی است.

«برنارد شاو» متفکر مشهور ایرلندی در کتاب خود با عنوان «انسان سوپرمن» بشارت از ظهور مصلحی را می دهد که صاحب توانمندی جسمی و عقلی خارق العاده است و مدت عمر او طولانی است وی چنین می نویسد: "او انسانی زنده و صاحب بنیه‌ی بدنی و عقلی خارق العاده است، و ما فوق سایر انسان هاست و انسان پست و ضعیف پس از تلاشی طولانی قابلیت رسیدن به منزلت و جایگاه او را پیدا می کند و عمر وی طولانی و افزون بر سیصد سال است وی می تواند از اندوخته های خود که در طی دورانها و حیات طولانی زندگیش جمع آوری نموده بهره مند گردد.

استاد عقاد در کتاب خود شرحی بر سخن برنارد شاو دارد وی می نویسد: به نظر می رسد که وجود سوپرمن (مرد برتر) برنامه های تلویزیونی غیرممکن نیست و دعوت او خالی از یک حقیقت ثابت نمی باشد.

در پرتو آنچه گفته شد مسأله‌ی مهدی منتظر قبل از اینکه مسأله ای دینی و اسلامی باشد موضوعی انسانی و جهانی است چرا که قبل از هر چیز تجسم بخش یک بیان دقیق از آرزوهای جمعی انسانیت است و تحقق آن با ظهور کسی است که می آید تا بشریت را از واقعیت دردناکش

جدا ساخته و او را از شرایط سختی که بر وی حاکم است رهایی بخشد.

شهید محمد باقر صدر در کتاب خود با عنوان «بحث حول المهدی» در این باره می گوید: حضرت مهدی (عج) تنها، تبلور عقیده‌ی اسلامی با ویژگی دینی نیست بلکه عنوانی است برای آرمان‌ها و آرزوهایی که بشریت با ادیان و مذاهب مختلف خود بدان روی آورده و تحقق این الهام فطری انسانی است که مردم طی آن به این ادراک دست یافته اند که در راستای اهداف بشریت روزی وعده داده شده بر روی زمین خواهد بود که در آن روز محتوای متعالی و اهداف نهایی رسالتهای آسمانی محقق می شود.

مرحوم نسب شناس آیه الله مرعشی نجفی در مقدمه جلد سیزدهم کتاب «إحقاق الحق» می نویسد: «همه ی امت ها و مذاهب و ادیان در مورد ظهور مصلح آسمانی و الهی و ملکوتی که که اصلاح کننده ی آنچه در عالم فاسد گشته است می باشد متفق القول اند... نهایت امر اینکه در تعیین هویت وی اختلاف نظر دارند عده ای او را عزیر می نامند در حالیکه برخی او را مسیح و گروهی او را خلیل می دانند گروهی او را از نسل مولایمان امام حسن (ع) نواده ی پیامبر (ص) می شناسند و برخی از مسلمانان وی را از نسل امام حسین (ع) نواده ی پیامبر (ص) می دانند.

جهان نسبت به این موضوع توجهی فراگیر دارد و توجه به منجی مخلص دین اسلام نیست هر چند که بیشترین احادیث متواتر و اخبار به طرق مختلف متعلق به مسلمانان است بگونه ای که نمی توان این مسأله را انکار کرد یا نادیده گرفت، احادیثی که پیشوایان حدیث و حافظان بزرگ با وجود اختلاف در طبقاتشان آنها را روایت کرده اند.

خواننده ی عزیز! کتاب «العرف الوردی فی أخبار المهدی» که پیش روی شماست از سویی تلاش دارد تا توجه جامعه ی اسلامی نسبت به این مسأله را بیان کند و از دیگر سو از مسأله ی دیگری که جنجال برانگیزتر است پرده بردارد و آن عبارت است از توجه عموم مسلمانان با وجود

اختلاف مذاهب و فرقه‌شان به اهل بیت (ع) می‌باشد که حضرت مهدی (ع) نماینده و تبلور یکی از قطبهای آن و خاتم ائمه ی آن به شمار می‌آید و این به معنی افزایش نقاط مشترک بین دو مذهب شیعه و سنی در زمینه‌ی حدیث و سیره و تاریخ و درگیریها و جنگ های مربوط به آخرالزمان است.

دو نکته این کتاب را از سایر کتب متمایز می‌سازد :

اول : تکیه‌ی آن بر اصول شناخته شده ی حدیث نزد مسلمانان، بگونه ای که هیچ یک از شیعه و سنی در دقت و اصالت و درستی آن تردید نمی‌کنند افزون بر اینکه مؤلف این کتاب علامه سیوطی است که از افراد مشهور و معروف در نقل حدیث و از بزرگترین محدثان برجسته ی قرن دهم هجری است و به دانش فراوان در این زمینه و احاطه بر علوم نقلی و اسناد آن علوم و منابع معتبر آن شناخته شده است.

دوم : دقت در جمع آوری مطالب کتاب، به گونه ای که هر گاه اختلافی در روایتی پیش آمده قول دیگر را نیز بدنبال آن آورده و به تعارض موجود در آن حدیث که باید مورد تأمل قرار گیرد اشاره کرده و این بر ارزش کتاب افزوده است، علاوه بر اینها نویسنده تنها به منابع و مراجع مذهب خود اکتفا نکرده بلکه در حدّ توان خود از شیوه های مختلف و راویان مذاهب دیگر نیز بهره برده است.

و این شیوه ی روشنگری به شمار می‌آید که اسلام و پیشوایانش در تثبیت آن در جان پیروان خود اهتمام ورزیده اند و از آنها خواسته اند که بر طبق این شیوه ی صحیح پیش روند.

و به همین خاطر مرکز علمی ما بنابر معهود در مقابل این کتاب اقدام به قبول مسؤولیت کرده است چه را که چه بسا کتاب یادشده در تحقق اهداف مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و متبلور ساختن آرمان های بلند آن سهیم شود از این رو دست یاریش را به سوی پژوهشگر فاضل

خود آقای محمد کاظم موسوی دراز کرده و ایشان هم به این درخواست پاسخ مثبت داده اند و در توجه به متن کتاب و حاشیه زدن بر برخی موضوعات آن که جنبه ی توضیح یا شرح و یا رفع ابهام و پیچیدگی دارد تمام تلاش خود را مبذول داشته و در اجرای پروژه ی مرکز، مشارکت قابل تقدیری کرده است و این مرکز در جهت چاپ و انتشار کتاب و آراستن آن با پژوهش سودمندی که برای دانشجویان علوم دینی و فرهیختگان مفید خواهد بود هیچگونه کوتاهی ننموده است .

و از طریق همکاری مفیدی که بین مسؤول مرکز و رئیس بخش تاریخ و سیره و اعضای آن صورت گرفت _ اعضای که از هیچ تلاش و توجه و پیگیری در این زمینه کوتاهی نکردند _ توانستند سختی هایی را که در طول راه با آن مواجه بودید هموار سازند.

محقق فاضل به مقاله ای چاپ شده در شماره ی سوم مجله ی دانشگاه اسلامی شهر مدینه با عنوان «عقیده اهل السنه و الاثر فی المهدی المنتظر» نوشته ی شیخ عبدالمحسن عباد دست یافت و این مقاله در حقیقت کنفرانسی می باشد که شیخ در یکی از دانشگاه های شهر مدینه ارائه کرده است و به برخی از ادعاهای واهی مبنی بر اینکه احادیث مهدی در صحیحین به شکل مفصل نیامده است و یا به اشکالاتی که بر این احادیث از سوی برخی افراد از روی ناآگاهی یا انگیزه های خاصی وارد شده پاسخ داده است و در صدد پاسخگویی به آن به شیوه ی علمی و صحیح برآمده است و همراه با آن لیست اسامی صحابه و تابعینی که احادیث را روایت کرده اند و نام کسانی که احادیث و اخبار وارده را در کتابهایشان آورده اند و نام نویسندگان علمای اهل سنت که کتاب های جداگانه ای در خصوص حضرت مهدی (عج) نوشته اند ذکر کرده و افزون بر همه ی اینها به برخی از احادیث وارده در صحیحین در مورد مهدی (عج) نیز پرداخته است.

مرکز این مقاله را از لحاظ علمی بسیار عالی ارزیابی کرده است زیرا این مسأله که نویسنده ی اثر سنی مذهب بوده یا شیعی، مصری بوده یا سعودی یا ایرانی مهم نیست بلکه آنچه اهمیت دارد

نوع اثر و موضوعاتی است که در این کتاب به صورت هدفمند و با نیت خدمت به منافع مسلمانان و در مجرای خواست ها و آرمان های پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت کریم او و علمای این اُمت بکار رفته است.

از اینرو تصمیم به چاپ این نوشتار همراه با پژوهش و تحقیق آن به گونه ای که با شیوه های جدید زمان همخوانی داشته باشد گرفته و آن را به عنوان مقدمه ای بر کتاب العرف الوردی فی أخبار المهدی قرار داده است تا به خواننده سود برساند و بر آگاهیهایش در این راستا بیافزاید.

و در این جا، تلاش های برجسته ی این محقق عالی قدر را ارج می نهیم و کمال تقدیر و تشکر را به خاطر مشارکت در انجام این اثر از اوداریم و زحمات فراوان گروه تاریخ و سیره را پاس می داریم و دست یاری خود را به سوی نویسندگان و محققان دراز می کنیم تا تمام هم و غم خود را برای مشارکت در احیای فرهنگ غنی اسلامی مان بکار برند و اقدامی جدی در راه اتحاد و مقابله با تهاجم فرهنگی و اخلاقی که جهان اسلام را در عصر فعلی مورد هجوم قرار داده انجام دهند.

از خداوند بزرگ و توانا می خواهیم تا ما را در ارائه ی ارزشمندترین آثار به مسلمانان از سوی علما و محدثانمان یاری برساند تا مجبور به استفاده از آثار نگارشی وارداتی و بیگانه بجای آن آثار ارجمند نشویم، خداوند به ما توفیق عنایت کند و یار و یاور ما باشد.

مرکز تحقیقات و مطالعات علمی

وابسته به مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

سخن محقق

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على خير خلقه و أشرف برّيته محمد وآله

الطيبين الطاهرين

اعتقاد به ظهور مصلح جهانی و تأسیس دولت الهی و عدالت گستر در روی زمین، از نقاط مشترک همه‌ی ادیان است و اختلاف میان آنها بیشتر در مورد بیان هویت این مصلح دینی جهانی است که اهداف و آرمان های پیامبران را محقق خواهد کرد.

نکته قابل توجه در همه‌ی ادیان وجود این عقیده نزد همه‌ی آنهاست و این اصلی مشترک در دعوت همه‌ی پیامبران است و از این رو بشارت به قطعیت ظهور آن مصلح جهانی عاملی مؤثر در روند تحقق اهداف رسالت انبیاء و ساخت و آماده سازی جامعه به سوی دوره‌ی رهایی بخش و استقرار آن دولت الهی و حکومت عادل به شمار می آید.

ایمان و اعتقاد به اندیشه ظهور منجی جهانی حاکی از یک نیاز عمومی فطری است که در میان افراد بشر مشترک است و اساس این نیاز فطری همان چیزی است که آدمی بر آن سرشته شده است یعنی حرکت مستمر به سوی کمال مطلوب و قطعاً ظهور منجی جهانی بیانگر وصول جامعه بشری به کمال مطلوب است.

شهید محمدباقر صدر «رحمه الله علیه» می فرماید : حضرت مهدی (عج) فقط تجسم عقیده‌ی اسلامی با ویژگی دینی نیست بلکه عنوانی است برای آرمان ها و افق های دوری که بشریت با ادیان و مذاهب مختلف به آن چشم دوخته است و تحقق این الهام فطری انسانی است که مردم طی آن به این ادراک دست یافته اند که در راستای اهداف بشریت روز وعده داده شده بر روی زمین خواهد بود که در آن روز محتوای عالی و اهداف نهایی رسالتهای آسمانی محقق می شود.

بعد از روشن شدن این اندیشه و اشتراک آن بین ادیان و حتمی و فطری بودن آن برای بشریت، طبیعی است که پیروان هر دینی سعی می کنند مصداق و شاهی برای این شخص غیبی الهی که متون و کتاب های آسمانی و بشارات انبیاء در مورد او سخن می گویند بیابند.

از این رو برخی از گروه ها به اسلوب تأویل متون یا برداشتی متفاوت از بشارت های دینی روی آورده اند که تناسبی با اندیشه های آنها در تعیین هویت مصلح جهانی ندارد و تعیین هویت مصلح جهانی را با فهم و برداشت خاصی که متناسب با درک آنهاست تأویل کرده اند.

اما در مورد پیروان ادیان دیگر - چون یهودیت و مسیحیت - شاید آنچه که برای آنها باب تأویل را در خصوص تعیین هویت منجی جهانی گشوده است وارد شدن موضوع در مقوله ی غیب، جهل آنها نسبت به دین اسلام و ناآگاهیشان در مورد متون وارده از پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در مورد تعیین دقیق این مصلح بوده است.

آنچه که مسلمانان را از پیروان ادیان دیگر متمایز میکند وحدت فکر و اندیشه آنهاست یعنی همگی بر این مسأله اتفاق نظر دارند که آن منجی جهانی که همه ی ادیان بشارت آمدن او را داده اند همان مهدی منتظر است و او از نسل پیامبر (ص) و از فرزندان فاطمه (س) است.

از بین فرقه های اسلامی تنها مکتب اهل بیت (ع) است که به غیبت امام مهدی (ع) اعتقاد دارند و اینکه دوازدهمین امام از امامان اهل بیت است که پیامبر (ص) به وجود آنها بشارت داده بود. و از ویژگی های اعتقادی مکتب اهل بیت اینست که مهدی (ع) در آخرالزمان ظهور خواهد کرد و زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد همانگونه که از ظلم و جور پر شده است.

و برخی از علمای دیگر مذاهب اسلامی این عقیده در مورد حضرت مهدی (ع) را پذیرفته اند و به آن اعتقاد دارند^۱ و تعداد دیگری هر چند که با مکتب اهل بیت مخالفند اما در بسیاری از مسائل وارد شده در خصوص مهدی (ع) با این مکتب موافق هستند و این اشتراک، عامل مهمی از عوامل وحدت مسلمانان و نقطه اشتراک مذاهب اسلامی است.

با اعتقاد به آنچه گفته شد و برای مشارکت در آثار کتابخانه ی اسلامی به بررسی اثر مهمی به نام العرف الوردی فی اخبار المهدی تألیف حافظ جلال الدین سیوطی که حاوی صدها حدیث و خبر وارده از پیامبر (ص) در خصوص مهدی (ع) است پرداختیم.

۱- مانند علامه عبدالوهاب شعرانی صاحب کتاب الیواقیت و الجواهر و استاد او علی الخواص.

زندگینامه سیوطی :

نام و نسب او : حافظ ابوالفضل جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی یا اسیوطی^۲
خضری^۳ مصری شافعی در سال ۸۴۹ هجری در قاهره متولد شد با یتیمی بزرگ شد و در
سن هشت سالگی قرآن کریم، "الفیه" ابن مالک، "منهاج الفقه" بیضاوی و "المنهاج" نووی را
حفظ کرد.

برجسته ترین اساتید او :

وی در حالیکه هنوز به سن قانونی تحصیل دانش نرسیده بود که شروع به تحصیل کرد، در
کودکی از محضر اساتید مصر و علمای سرآمد آنجا کسب فیض نمود، از مجلس درس شیخ زین
العابدین عتبی^۴ و شیخ سراج الدین عمرالوردی^۵ بهره ها برد سپس مدتی با شیخ بلقینی^۶ همراه
بود و این استاد به او اجازه ی تدریس و افتاء داد.

بعد از آن ملازم شرف مناوی^۷ و سیف الدین قطلوبغای حنفی^۸ شد و نزد تقی شمنی
حنفی^۹ حاضر شد و این استاد شاهد پیشرفت او در علوم و فنون بود.

برجسته ترین شاگردان او :

- ۲- اسیوط یا سیوط نام شهری است در سرزمین مصر، واقع در غرب نیل و گفته می شود: اسیوطی یا ضمه به جهت نسبت فرد به این شهر است. (ر. ک: لباب الانساب سیوطی، ص ۱۵).
- ۳- الخضری به محله ی الخضریه در بغداد منسوب است، متنی با خط خود میوطی وجود دارد که شخص موثق از او به نقل از پدرش شنیده که گفته: جد بزرگ ما عجمی و یا از شرق بوده است، بعید نیست که این کلمه، منسوب به منطقه ی مذکور باشد و مادرش، ام ولد ترک بوده است. (ر. ک: النور السافر ۵۱/۱).
- ۴- در النور السافر صفحه ۵۲ «زین الدین العتبی» و در شذرات الذهب جلد ۴ صفحه ۵۲ «زین الدین الحنبی» نوشته شده است.
- ۵- سراج الدین عمر بن الوردی فقیه شافعی بود (متوفای ۸۶۱ ه) وی غیر از عمر بن الوردی، مؤلف کتاب «خریده العجائب و فریده الغرائب» است که در سال ۷۴۹ درگذشته است. ر. ک: النور السافر ۵۲/۱ و الأعلام ۶۷/۵.
- ۶- بلقینی: اوصالح بن عمر بن رسلان بلقینی شافعی است. از علمای علم فقه و حدیث بوده و فرزند سراج الدین بلقینی صاحب کتاب «محاسن الاصطلاح» است، در سال ۸۶۸ ه در گذشت و دو اثر «الغیب الجاری علی صحیح البخاری و تتمه التدریب» از اوست. کتاب پدرش با عنوان «التدریب فی فقه الشافعی» از این کتاب کاملتر است، میوطی در کتاب «حسن المحاضره» شرح حال او را نوشته است وی می نویسد : او استاد ما و پرچمدار مکتب شافعی در عصر خود بود، درس فقه را از من پرمسید و من به سئوالاتش جواب دادم سپس اجازه ی تدریس به من داد. (ر. ک: شذرات الذهب ۳۰۷/۴، الأعلام ۱۹۴/۳ و غیره).
- ۷- شرف مناوی: شرف اللّٰتین یحیی بن محمد مناوی، فقیه شافعی، اصولی، محدث و قاضی شهر مصر بوده و کتاب های «فروع الشافیه» و «شرح مختصر المزنی»، و «شرح الروض الأنف» سهیلی از اوست. متوفای سال ۸۷۱ هجری است. شرف مناوی جد محقق عبدالرؤف مناوی صاحب کتاب «الشرح» معروف به «الفیض القدیر علی الجامع الصغیر» است. میوطی در کتاب «حسن المحاضره» شرح حال او را نوشته است او می نویسد: او استاد ما و آخرین دانشمند و محقق شافعی است (ر. ک: شذرات الذهب ۳۱۲/۴، الأعلام ۱۶۷/۸).
- ۸- قطلوبغا: محمد سیف الدین بکتمری حنفی مصری، ترکی الأصل بود و ابن الهمام در مورد او می گوید: محقق مصر و اولین مترس آن در علم فقه و تفسیر بوده، شروح و پانویشت های دقیقی بر کتاب های التوضیح ابن هشام، شرح البیضاوی آمنوی و شرح التفتیح قرافی دارد. میوطی در حسن المحاضره و طبقات النحاه، به شرح حال او پرداخته است. او می نویسد: استاد ما، علامه سیف الدین محقق علامه سیف الدین محقق ... و او آخرین استادان بود که در گذشت (ر. ک: شذرات الذهب ۳۳۲/۴، الأعلام ۵۰/۷).
- ۹- الشمنی : او تقی اللّٰتین احمدین حلیفه شمنی حنفی است. محدث، مفسر و نحوی بوده است. شرح کتاب المغنی ابن هشام و کمال الدرایه فی شرح النقایه فی فقه الحنفیه از اوست. در اسکندریه متولد شد و تحصیلاتش را در قاهره گذراند و در آنجا به سال ۸۷۲ ه در گذشت. میوطی در کتاب «بغیه الوعاه» شرح حال او را آورده است وی می گوید: استاد ما، علامه مفسر و محدث، اصولی و متکلم و پیشوای نحویان در زمان خود بود (ر. ک: شذرات الذهب و الشمنی: به فتح شین و میم؛ منسوب است به شمن روستایی از روستاهای استرآباد (ر. ک: الانساب سمعانی ۴۵۸/۳) حموی در معجم البلدان (۳/ ۳۶۵). می گوید این کلمه از روستاهای استرآباد مازنران است و میوطی می نویسد. الشمنی با فتحه شین و میم روستایی در استرآباد است (لباب الانساب، ص ۱۵۶).

او شروع به تدریس کرد و بسیاری از علما و سرآمدان مصر زیرنظر او فارغ‌التحصیل شدند از جمله آنان :

۱- عبدالوهاب انصاری شافعی مصری، معروف به شعراوی یا شعرانی است. او صاحب کتاب "البواقیت و الجواهر فی بیان عقائد الأكابر" است. در این کتاب معتقد است که امام مهدی (عج) از فرزندان امام حسن عسکری (ع) است در سامرا شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ متولد شد و او تا عصر ظهور خواهد ماند تا به حضرت عیسی (ع) ملحق شود. استاد او علی‌الخواص هم در این موضوع با او هم عقیده است.^{۱۰}

۲- ابوالبرکات محمدبن ایاس حنفی، صاحب کتاب «مرج الزهور فی وقائع الدهور» و «نزهة الأُمم فی العجائب والحکم».

۳- شمس الدین داوودی شافعی، صاحب کتاب «ذیل الطبقات الشافعیه» است و کتابی در شرح حال استادش جلال الدین سیوطی دارد. از مشهورترین نوشته های او عبارتند از:

جلال الدین سیوطی هنگامیکه به سن ۴۰ سالگی رسید گوشه نشینی اختیار کرد، حتی از نزدیکان و دوستانش هم فاصله گرفت و بیشتر تألیفات خود را نوشت تا جائیکه تعداد تألیفات او، به بیش از ۵۰۰ کتاب در علوم و فنون مختلف رسید. و با وجود این، تألیفاتش به عبارات زیبا، اشارات نیکو، گردآوری جالب و ترتیبی نو و بدیع ممتاز شده است، تألیفات او، به شهرت خاصی رسید و مسلمانان با وجود اختلاف مذاهب آن را قبول داشتند و مردم این تألیفات و کتاب ها را از یکدیگر می گرفتند و مطالعه می کردند.

۱۰- نورالابصار شبلنجی ص ۱۸۷. در لابلای کتاب ها، شرح حالی از شیخ علی‌الخواص نیافتم جز اینکه شعرانی کتابی را با عنوان «درر الغواص علی فتاوی سیدی علی‌الخواص» تألیف کرده که در آن فتاویهای استادش را گردآوری کرده است، کتاب دیگری به اسم «الجواهر و التمر الکبری» دارد. وی در این کتاب یادآور شده که این کتاب را به درخواست مردم نوشته است چرا که از او خواستند تا آنچه در طی ۲۰ سال مجالستش از استاد فرا گرفته بنویسد و او به خواش مردم، جامعی عمل پوشاند و این کتاب را تألیف کرد. و این خود دلیلی است بر اینکه شیخ علی‌الخواص، از اساتید شعرانی است و اهل فتوی بوده و بسیار مورد توجه علما و مردم بوده است. نام این کتاب ها بر معجم المطبوعات العربیه جلد ۱ صفحه ۱۱۳۱ و الأعلام جلد ۴ صفحه ۱۸۱ آمده است.

از مشهورترین تألیفات او

-تفسیر الدر المنثور

-تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی در علم حدیث

- جمع الجوامع فی الحدیث (این کتاب، الجامع الکبیر هم نام دارد).

- الجامع الصغیر که خلاصه ی الجامع الکبیر است.

- العرف الوردی فی أحادیث المهدی.

- کشف اللبس فی حدیث ردّ الشمس

-احیاء المیت بفضائل اهل البیت

- التعظیم و المنّه فی أنّ أبوی النبی فی الجنّه.

- البهجه المرضیه شرح الفیه ابن مالک در نحو.

- شرح الفیه عراقی در علم درایت و حدیث

-الدیباچ علی صحیح مسلم بن الحجاج

- تنویر الحوالک علی موطأ مالک

-حسن المحاضره فی أخبار مصر وقاهره

- اللآلی المصنوعه فی الأحادیث الموضوعه.

- لباب النقول فی أسباب النزول

-تلخیص طبقات الحفاظ ذهبی

-الحاوی فی الفتاوی (این کتاب مجموعه نامه هایی در علم تفسیر و حدیث و سایر فنون

است.

وفات او

جلال الدّین سیوطی در جمادی الاولی سال ۹۱۱ هـ در سن ۶۱ سالگی در منزل خود واقع در

قاهره در گذشت و در حوالی قوصون بیرون از درالقراه " به خاک سپرده شد.

شیوه ی ما در این کتاب :

مبنای کار ما دو نسخه از کتاب العرف الوردی است که هر دو، در میان مجموعه کتاب ها و نامه های سیوطی به اسم الحاوی للفتاوی چاپ شده است.

نسخه ی اول : چاپ دارالکُتب العلمیه در سال ۱۴۰۸ هـ (۱۹۸۸ م) است و آن، تصحیح شده ی نسخه ی دارالکُتب المصریه و دارالکُتب الأزهریه است که گروهی از دانشجویان دانشگاه الأزهر در سال ۱۳۵۲ هـ به تصحیح و نشر آن همت گماشته اند.

نسخه ی دوم : چاپ المکتبه العصریه به سال ۱۹۹۰ م است و این نسخه افسستی از چاپ شیخ محمد محیی الدین عبدالحمید مصری است.

از این رو ما به بررسی کتاب شیخ عبدالمحسن عباد آل بدر با عنوان "عقیده اهل السنه والآخر فی المهدی المنتظر" پرداخته و به دلیل اهمیت علمی وتاریخی آن و در برداشتن مباحث مهمی پیرامون مسأله ی مهدی منتظر _ که هیچ پژوهشگری از آن بی نیاز نیست _ آن را به عنوان دیباچه ی کتاب العرف الوردی قرار دادیم.

خلاصه ای از زندگی شیخ عبدالمحسن عباد آل بدر :

شیخ عبدالمحسن بن حمدالعباد آل بدر، از اساتید انجمن علمی ریاض، استاد دانشکده ی الهیات، عضو هیئت علمی دانشگاه اسلامی شهر مدینه و از مدرسان حرم شریف نبوی بوده است. تألیفات ذیل از اوست :

* فضائل اهل البیت و علو مکانتهم عند اهل السنه و الجماعه.

* فضل المدینه المنوره و آداب سکناها و زیارتها.

* شرح العقیده القیروانیه.

* الرد علی من کذب بالأحادیث الصحیحه الوارده فی المهدی.

* عقیده اهل السنه و الآخر فی المهدی المنتظر: و این همان کتابی است که ما به تحقیق و

شرح برخی از فصول آن پرداختیم و با وجود مختصر و موجز بودن به عنوان مقدمه کتاب العرف الوردی فی أحادیث المهدی قرار دادیم از جمله ی این مطالب مهم عبارت است از : اثبات وجود ایمان به مهدی منتظر و اینکه وجوب ایمان به او، از عقاید همه ی مسلمانان است، اثبات صحت روایات امام مهدی (عج) و متواتر بودن این احادیث و ذکر نام راویانی که از صحابه بودند و نام

کسانیکه روایات را در کتاب هایشان آورده اند، نام مؤلفینی که در مورد حضرت مهدی (ع) کتاب نوشته اند و مباحث دهگانه‌ی دیگری که مؤلف در این کتاب به آن پرداخته است.

کار ما در این دوکتاب تنها به استخراج احادیث و سخنان و مراجعه به منابع آنها منحصر نمی باشد بلکه به موارد اختلاف آنها در نسخه ها همراه با شرح و پانوشتی بر مطالب مهم خصوصاً مسائل اعتقادی، تاریخی، حدیثی، سندی و غیره اشاره کردیم و همچنین مطالب مهمی را نقل کردیم که برای خواننده‌ی عزیز، مفید است. امیدوارم که در کارمان موفق بوده باشیم.

لازم است از اعضای مرکز تحقیقات و مطالعات علمی وابسته به مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به خاطر کمک های خالصانه آنها در به ثمر رسیدن این کار و زحمات فراوانشان در چاپ و نشر این کتاب که به بهترین شکل به انجام رسیده است، تقدیر و تشکر کنم و از خداوند جزای نیکوکاران را برای آنها خواستارم.

و الحمد لله العالمین و صلی الله علی محمد و آل محمد الطاهرین.

«عقیده اهل سنت در مورد مهدی منتظر (عج)»

پیامبر اکرم (ص) اخباری را از امت های گذشته برای امتش آورد که راهی جز تصدیق و تأیید آن نبود زیرا آن وقایع، طبق گفته های او به وقوع پیوسته بود. همانگونه که در مورد آینده خبرهایی را آوردند که همه آن را تأیید کردند و به قطعیت وقوع آن، اعتقاد داشتند تا جاییکه امت اسلامی به هر چیزی که باعث تقرب به خدا می شد مشتاق بود و از هر گونه شری هم اجتناب می کرد.

از جمله وقایع آینده که در آخرالزمان همراه با نزول عیسی بن مریم (ع) از آسمان، به وقوع می پیوندد ظهور مردی از اهل بیت پیامبر، از فرزندان علی بن ابی طالب (ع) می باشد. او هم نام پیامبر اکرم (ص) می باشد و به او مهدی گفته می شود. امر مسلمانان را عهده دار می شود و عیسی بن مریم (ع) پشت سر او نماز می خواند و دلیل آن، احادیث فراوانی است که از پیامبر (ص) روایت شده و همه ی امت به جز تعداد اندکی، آن را قبول کرده اند و به وجود آن، اعتقاد یافته اند.^{۱۲}

و سخن راندن درباره ی این موضوع به دو دلیل است:

اول : احادیث رسیده در مورد حضرت مهدی (عج) در دو کتاب صحیح بخاری و مسلم به صورت مفصل نیامده بلکه به شکل خلاصه آمده است و کتاب های دیگر غیر از این دو کتاب با تفسیر و توضیح به آن پرداخته اند. شاید کسی گمان کند که این مسأله، از ارزش آن می کاهد اما این گمان، خطایی بیش نیست.^{۱۳}

۱۲- اصل این کتاب سخنرانی بوده که در دانشگاه اسلامی شهر مدینه برگزار شد و مجله ی دانشگاه الجامعه الاسلامیه در شماره ی سوم از سال اول در ذی القعدة سال ۱۳۸۸ هـ. آن را منتشر کرد که بعداً به سبب اهمیتش بارها چاپ شد (البته بصورت مرتب و فصل بندی شده با حذف زوائد و با حفظ محتوا و بدون تغییر در عبارات نویسنده).

۱۳- این، اولین شک و گمانی است که نویسنده به آن اشاره می کند؛ مبنی بر اینکه احادیث مهدی (ع) بخاطر عدم ذکرشان در دو کتاب صحیح بخاری و مسلم، ضعیف هستند. پاسخ این است که: دو کتاب صحیح بخاری و مسلم حاوی همه ی احادیث صحیح نیستند بلکه احادیث صحیح در غیر این دو کتاب بیشتر یافت می شود.

دمشقی در کتاب توجیه النظر صفحه ۹۲ و ابن الصلاح در علوم الحديث صفحه ۱۹ و عراقی در التقييد و لايضاح صفحه ۳۰ می نویسند: این دو شخص - بخاری و مسلم - احادیث صحیح را بطور کامل در کتاب های صحیحین نیاورده اند و در کتاب توجیه النظر صفحه ۹۳ آمده است: حازمی و اسماعیلی به نقل از بخاری گفته اند: «إن ما تركه من الصحيح أكثر»؛ احادیث صحیحی که در این کتاب نیاورده ام بیشتر است. مسلم هم، آن هنگام که به خاطر ترک زیاد احادیث صحیح، مورد سرزنش واقع شد جمله ای مثل این سخن بخاری دارد. عراقی در کتاب التقييد و الايضاح صفحه ۳۰ می نویسد: از مسلم نقل شده که گفت: همه ی احادیث صحیح را در این کتاب نیاوردم و منظور از این کتاب، صحیح است سخن ابن کثیر در الباعث الحثيث صفحه ۳۷، خود دال بر کثرت وجود حدیث صحیح در غیر این دو کتاب است آنجا که می نویسد: در مسند احمد بن حنبل، اسناد و متونی یافت شده که ارزش آن برابر با احادیث مسلم و بخاری است اما نزد این دو نفر و غیره دیده نشده است. و در کتاب های دیگری چون المعجم الكبير و المعجم الاوسط طبرانی و مسند أبی یعلی و مسند بزاز و دیگر مسانید و معاجم و فوائد و اجزاء، احادیث و اسنادی یافت شده که افراد صاحب نظر و آگاه به حدیث، بر صحت بسیاری از آنها حکم کرده اند.

دمشقی در کتاب توجیه النظر صفحه ۱۳۷ می نویسد: همانطور که قبلاً گفتیم مسلم و بخاری همه ی احادیث صحیح را در این دو کتاب نیاورده اند و متعهد به این مسأله هم نبوده اند و هر کس بخواهد اضافه بر آنچه در این دو کتاب است بیابد باید در کتاب های صحیح مجرد و کتاب هایی که از صحیحین استخراج شده است همانند صحیح ابی عوانه، صحیح ابن خزيمة و ابن حبان جستجو کند.

پس احادیث صحیح و حسن در کتاب هایی غیر این دو کتاب، نزد اهل حدیث مقبول

است.^{۱۴}

دوم: برخی از نویسندگان بی دانش این روزگار، به احادیث وارده در خصوص مهدی (ع) ایراد وارد می کنند که البته این کار آنها به سبب نادانی و یا به تقلید از کسانی که اهل حدیث و آگاه به این فن نیستند می باشد.

من به یک شرح و پاورقی از عبدالرحمان محمد عثمان بر کتاب "تحفه الأحوذی" که اخیراً در مصر چاپ شده است دست یافتم که در جلد ششم در باب "ما جاء فی الخلفاء" می گوید: بسیاری از علما نسبت به همه احادیث مهدی (عج) شک دارند و نقل آنرا از رسول الله (ص) صحیح نمی دانند بلکه معتقدند که این احادیث از ساخته های شیعه است.

و باز در خصوص امام زمان (عج) در بخش ششم از فصل «ما جاء فی تقارب الزّمن و قصر الأمل» می نویسد: بسیاری از علما و دانشمندان مورد اعتماد احادیث وارده در مورد مهدی (ع) را رد کرده و آن را ساخته ی باطنیان (هفت امامیها) و شیعه و امثال آن می دانند و انتساب این احادیث به پیامبر (ص) را صحیح نمی دانند.^{۱۵}

عراقی در کتاب التّقیید و الإیضاح صفحه ۳۱ می نویسد: کسی که خواستار احادیثی افزون بر احادیث این دو کتاب است باید به یکی از تألیفات مشهور و قابل اعتماد پیشوایان علم حدیث همچون ابی داود، ترمذی، نسائی، ابن خریمه و دارقطنی مراجعه کند، این الصّلاح در علوم الحدیث صفحه ۳۶ مثل این جمله را آورده است.

سخن بخاری دالّ بر همین مسأله است، حمدویه گفته از بخاری شنیدم که گفت: من صد هزار حدیث صحیح را حفظ هستم. (ر.ک: تذکره الحفاظ ۵۵۶/۲، تهذیب الکمال ۴۶۱/۲۴ و مقدمه فتح الباری ص ۴۸۸).

واضح است احادیث موجود در صحیح بخاری از ۳۰۰۰ هزار حدیث تجاوز نمی کند، و این بدان معنی است که بیش از ۹۰ هزار حدیث صحیح وجود دارد و این احادیث تنها خاص صحیح بخاری نیست و به او منحصر نمی شود و این موضوع به دلیل اشتراک شیوخ روایت و شیوه های آنهاست و این احادیث هم نزد او و هم نزد غیر او از حافظان و محدثان مانند طبرانی و نسائی، ابن ماجه، ترمذی، ابن حنبل، حاکم و غیره یافت می شود.

۱۴- خلاصه ی جواب مؤلف: قطعاً حدیث صحیح در غیر این دو کتاب، مقبول و رایج است و علما، فقها و محدثین به آن استدلال می کنند و حتی حدیث حسن نیز چنین حکمی دارد. اگر احادیث مهدی (ع) در غیر این دو کتاب حسن به حساب می آید پس احادیث حسن هم مقبول و رایج است و از آنجا که علما و محدثین به آن استدلال می کنند پس این احادیث هم مانند حدیث صحیح است. ابن کثیر در الباعث الحثیث صفحه ۴۶ می نویسد احادیث حسن، نزد اکثر فقها، در استدلال کردن مانند حدیث صحیح است. علامه خطابی می گوید: احادیث حسن، معیار اکثر احادیث است و بیشتر علما و فقها اینگونه احادیث را قبول می کنند و بکار می برند (ر.ک: تدریب الراوی ص ۷۷، الباعث الحثیث ص ۴۷ و التّقیید و الإیضاح ص ۴۵). سیوطی در تدریب الراوی صفحه ۸۱ می نویسد: حدیث حسن در استدلال مثل حدیث صحیح است هر چند که ضعیف تر از آن است به همین علت گروهی از فقها چون حاکم، ابن حبان و ابن خریمه آن را از انواع احادیث صحیح دانسته اند.

ابن جماعه در المنهل الروی جلد ۱، صفحه ۳۷ می نویسد: حدیث حسن مانند حدیث صحیح حجت است هر چند که ضعیف تر از آن است به همین خاطر برخی از محدثین آن را از انواع حدیث صحیح دانستند و این نظر در تسمیه و نامگذاری کتاب جامع الترمذی پیداست چرا که حاکم بر این کتاب نام الجامع الصحیح گذاشته است و خطیب هم بر دو کتاب ترمذی و نسائی نام الصحیح را گذاشته است.

۱۵- ابن دومین شک و شبهه ای است که مؤلف بدان اشاره کرده است: و آن ضعف احادیث مهدی (عج) با ادّعی ساختگی بودن آن از سوی شیعیان است در جواب آن می توان گفت:

الف) قطعاً این ادّعا صحیح نیست چرا که هیچ یک از بزرگان و حافظان حدیث این موضوع را ذکر نکرده اند و حتی احتمال آن را هم نداده اند و ای کاش شارح در آن قسمت از شرح که گفت «خیلی از علمای مورد اعتماد ...» نام یکی از این علما را می آورد.

ب) کماتیکه این احادیث را در کتاب خود آورده اند از بزرگان اهل سنت و حافظان آن هستند و بر صحت این احادیث و متواتر بودن آن به شیوه و روش خودشان (نه به روش شیعیان) تصریح کرده اند و این راویان و حافظان حدیث به روش مورد قبول خود از بیست صحابه این احادیث را روایت کرده اند و بیشتر آنها به شهرت این روایات بین مسلمانان در همه ی دوران ها معترف بوده اند.

علامه مبارکفوری در کتاب تحفه الأحوذی جلد ۶ صفحه ۴۰۱، و عظیم آبادی در عون العباد در جلد ۱۱ صفحه ۲۴۳ می نویسد: بدان که بین عموم مسلمانان همه ی عصرها مشهور است که در آخر الزمان مردی از اهل بیت ظهور می کند که مؤید دین اسلام است ... و مهدی نامیده می

شود. و گروهی از بزرگان حدیث از جمله: ابوداود، ترمذی، ابن ماجه، برآز، حاکم، طبرانی و ابویعلی، احادیث مهدی (عج) را در کتاب هایشان آورده اند و این اشخاص، احادیث مربوطه را به گروهی از صحابه‌ی پیامبر نسبت داده اند.

همه‌ی این موارد گفته شده، بر شهرت احادیث مهدی (عج) در همه‌ی زمان ها و بین همه‌ی حافظان حدیث، دلالت می کند پس چگونه با وجود کثرت این احادیث و متواتر بودن آن، نسبت به وضع این احادیث بی اطلاعند.

با وجود این حافظان حدیث از کار جعل حدیث و جاعلان آن غافل نبوده اند و کثرت کتاب ها و تالیفاتی با موضوع احادیث جعلی، تأکید کردن بر این احادیث در شرح ها و تالیفات فقهی و حدیثی، خود گواهی بر همین امر است و با این همه، آنها پیوسته احادیث مهدی (عج) را به صحت، تواتر و شهرت می شناسند و تالیفاتی را به این احادیث اختصاص داده اند و در فصول و بابهایی از کتاب هایشان به آن پرداخته اند و احادیث مخالف با آن را جعلی و موضوع دانسته اند. و سخن پیرامون این موضوع خواهد آمد.

ج) اگر برخی از اسناد احادیث مهدی (ع) مربوط به راویان شیعه است این موضوع، به صحت و درستی آن احادیث و استدلال به آن، خنثه ای وارد نمی کند چرا که معیار قبول اخبار و اسناد نزد آنها، صداقت راوی و دقت اوست و اما اختلاف بین مذاهب و عقاید برای کمی شرط نیست.

ناصرالدین البانی می گوید: حتی اگر، این ادعا صحیح باشد این موضوع به صحت احادیث ضربه نمی زند چرا که اصل در صحت احادیث، صداقت و دقت راوی است و اختلاف مذهب در صحت حدیث ملاک و معیار نیست همانگونه که در اصطلاح حدیث معین شده است و از این رو، بخاری و مسلم در کتاب صحیح خود، خیلی از احادیث را از شیعه و فرقه های دیگر روایت کرده اند (مجله التمتن الاسلامی بخش ۲۷ و ۲۸).

محمّدصديق قنوجی در الإذاعة فی أشرط الساعه صفحه ۱۱۲ می نویسد: در معتبر بودن راوی دو مسأله در نظر گرفته می شود و امر سومی وجود ندارد و این دو، دقت و صداقت است برخلاف اعتقاد اصولیین که عدالت و امور دیگر را نیز شرط می دانند.

ابن حجر می گوید: بدان که گروهی دیگری را به اختلاف عقیده مورد ایراد قرار داده اند که باید به این مسأله توجه شود و جز به حق با آنان برخورد نشود ولی با صداقت و دقت راوی جای هیچ ضعف و عیبی نیست (مقدمه فتح الباری، ۳۸۲). همچنین ر. ک: المنهل الروی ۶۳/۱، و الکفایه فی علم الرایه ۹۴/۱.

اعتماد و استدلال بخاری و مسلم و صاحبان کتاب های سنن و مسانید و غیره به بزرگان شیعه و روایت کردن از آنها، دال بر این امر است که ملاک صحت و قبول حدیث، تنها صداقت و دقت است و اختلاف بین مذاهب بر صحت حدیث تأثیر نمی گذارد و ما به عنوان نمونه (و نه به انحصار) نام چند تن از آنان را در ذیل ذکر می کنیم:

(۱) اسماعیل بن ابان وراق: از اساتید بخاری است، در کتاب صحیح به او استناد کرده و روایاتی را بشون واسطه از او نقل کرده است. ذهبی در کتاب سیر أعلام النبلاء جلد ۱۰ صفحه ۳۴۷ به شرح حال او پرداخته و او را از اساتید بخاری بر شمرده است وی می نویسد: «مذهبش تشیع است و ترامی و ابوزرعه از او روایاتی را نقل کرده اند و احمد و ابوداود او را ثقة می دانند». ر. ک: الکاشف نوشته ذهبی ۴۲/۱ شماره ۳۴۵.

(۲) خالد بن مخلد قنونی: از اساتید بخاری است، بخاری و مسلم هر دو به او، استناد کرده اند و ذهبی در کتاب تذکره الحفاظ جلد ۱ صفحه ۴۰۶ به زندگینامه‌ی او پرداخته است. وی می نویسد: «او شیعی و صدوق است، بخاری و گروهی دیگر از او روایاتی را نقل کرده اند» در کتاب میزان الاعتدال آمده است (۶۴۰/۱): «بخاری، مسلم و نسیانی از او روایاتی را نقل کردند» و ابوداود می گوید: «او صدوق است اما شیعی است» و ابن سعد می گوید: «او شیعی سرسخت و افراطی است». در کتاب سیر أعلام النبلاء جلد ۱۰ صفحه ۱۷ آمده است: «بخاری، مسلم، ترمذی، نسانی، و ابن ماجه راویان او بوده اند و بخاری در کتاب صحیح و عباس توری و ... از او احادیثی را نقل کرده اند». ر. ک: کتاب الکاشف ۳۶۸/۱ شماره ۱۳۵۳.

(۳) حافظ ابونعیم فضل بن دکین: از اساتید بخاری است، او و مسلم و اشخاص دیگری به او استناد کرده اند و ذهبی در «سیر أعلام النبلاء» جلد ۱۰ صفحه ۱۴۲ به شرح حال او پرداخته است. وی می نویسد: «مذهب او تشیع بوده و می گفت: حب علی عبادت است». در میزان الاعتدال جلد ۳ صفحه ۳۵ آمده است. «وی حافظ حدیث و حجت است اما مذهبش تشیع است» و ر. ک: کتاب الکاشف ۱۲۲/۲ شماره ۴۴۶۳.

(۴) ابوغسان حافظ الحجه مالک بن اسماعیل نهدي: وی نیز از اساتید بخاری است، شرح حال او در کتاب تذکره الحفاظ ذهبی جلد ۱ صفحه ۴۰۲ آمده است و ذهبی در این کتاب می نویسد: «بخاری روایاتی را از او نقل کرده است، او ثقة و مورد اعتماد است» و ابوداود می گوید: «وی به مذهب تشیع مبحث پایند است. در کتاب سیر أعلام النبلاء (۴۳۰/۱): «نسائی و غیره می گویند: او، ثقة و مورد اطمینان است، بخاری و ذهلی و ابن ابی شیبه و ابوعوانه و گروه زیادی از او روایت کرده اند و از بخاری در مورد اعتقاد استادش سؤال شد و او به شیعه بودن استاد اعتراف کرد». ر. ک: الکاشف ۲۳۳/۲ شماره ۵۲۳۹.

(۵) فطربن خلیفه: بخاری و اهل سنت به او استناد کرده اند و ذهبی می گوید: «ابن معین گفته است: او ثقة و شیعه است و عبدالله بن احمد نیز چنین گفته است و احمد و غیره به او اعتماد داشتند» (میزان الاعتدال ۳۶۴/۲). کتاب سیر أعلام النبلاء جلد ۷ صفحه ۳۰ شرح حالی از او آورده است می گوید: «او استاد، عالم، محدث و صدوق است و افراد زیادی نقل کرده اند که او شیعه است و بخاری در کتاب صحیح و صاحبان کتابهای سنن به او استناد کرده اند». در کتاب الکاشف جلد ۲ صفحه ۱۲۵ شماره ۴۴۹۲ گفته شده: «وی شیعه سرسختی بود، احمد و ابن معین به او اعتماد داشتند» و مثل این جمله در کتاب تهذیب التهذیب جلد ۸ صفحه ۲۷۰ و تقریب التهذیب جلد ۲ صفحه ۱۶ آمده است. عباس توری می گوید: «از یحیی شنیع که می گفت: فطربن خلیفه ثقة و شیعه است» (تاریخ ابن معین ۲۴۶/۱ شماره ۱۶۰۹).

(۶) مسعبد بن محمد الجرمی: ذهبی می گوید: «بخاری و مسلم روایاتی را از او نقل کرده اند و او ثقة ولی شیعه است و ابن معین می گوید: او صدوق است» (میزان الاعتدال ۱۵۷/۲) و در کتاب الکاشف جلد ۱ صفحه ۴۴۳ آمده است «او ثقة و شیعه است و بخاری، مسلم، ابوداود و ابن ماجه راویان او بوده اند».

(۷) معروف بن خربوذ: بخاری، مسلم، ابوداود و ابن ماجه به او استناد کرده اند و ذهبی می گوید: «او صدوق و شیعی است» (میزان الاعتدال ۱۴۴/۴، الکاشف ۲۸۰/۲).

(۸) عباد بن یعقوب الرواجی: ذهبی در کتاب تذکره الحفاظ جلد ۲ صفحه ۵۴۱ از او به محدث شیعه یاد کرده است و می گوید: عباد بن یعقوب رواجی شیعه متعصبی است، و بخاری، ترمذی، ابن ماجه، ابن خزمه، ابن صاعد و گروه دیگری از او احادیثی را روایت کرده اند و ابوحاتم به او اعتماد داشت» (الکاشف ۵۳۲/۱ شماره ۲۵۸۱). ذهبی در کتاب سیر أعلام النبلاء جلد ۱۱ صفحه ۵۳۶ شرح حالی از او نوشته است وی می گوید: او استاد، عالم، صدوق و محدث شیعه است و بخاری، ترمذی و ابن ماجه راوی احادیث او بوده اند و حافظ المزی در کتاب تهذیب الکمال جلد ۱۴ صفحه ۱۷۵ به شرح حال او پرداخته است.

(۹) عبدالله بن عمر الکوفی ملقب به مشکدانه: ابن حجر می گوید: «او در مذهبش (تشیع) سرسخت و متعصب بود و اهل حدیث را می آزمود و مسلم نوازده حدیث از او نقل کرده است (تهذیب التهذیب ۲۹۰/۵) و ذهبی می گوید: «عالی قدر، ثقة و ... است، مسلم، ابوداود، ابوزرعه و

بلکه برخی دیگر، جرأت کرده اند و بیش از اینها به احادیث مهدی (ع) عیب وارد کرده اند، محیی الدین عبدالحمید در پانویسی که بر کتاب الحاوی للفتاوی سیوطی نوشته است در آخر بخش دوم «العرف الوردی فی أخبار المهدی» می نویسد: برخی از محققین، هر حدیثی که در خصوص مهدی و دجال وارد شده را از اسرائیلیات (ساخته‌ی دست یهود) می دانند.^{۱۶}

بغوی احادیثی را از او نقل کرده اند و گفته شده: مشکدانه شیعی بود، (سیر أعلام النبلاء ۱۵۵/۱)، مثل این جمله در کتاب الکاشف آمده است ۵۷۸/۱ شماره ۲۸۷۴. در میزان الاعتدال جلد ۲ صفحه ۴۶۶ گفته شده: «او صدوق، صاحب حدیث است و مسلم، ابوداود راوی احادیث او بوده اند در مورد او گفته شده که او شیعه است و از صالح جزیره روایت شده که گفته «وی اهل حدیث را می آزمود و در تشییش سرسخت بود». ابن حجر می گوید: وی صدوق و شیعه است (تقریب التهذیب ۵۱۶/۱).

(۱۰) ابان بن عثمان الکوفی: مسلم و صاحبان کتاب های سنن، به او استناد کرده اند. ذہبی می گوید: «او شیعه متعصبی است ولی صدوق است، احمد بن حنبل، ابن معین و ابوحاتم او را ثقه می دانستند و ابن عدی می گوید: وی در تشیع، بسیار متعصب بود» (میزان الاعتدال ۵/۱) ذہبی در سیر أعلام النبلاء جلد ۶ صفحه ۳۰۸ و در کتاب الکاشف جلد ۱ صفحه ۲۰۵ شماره ۱۰۴ زندگینامه‌ی او را آورده است وی می گوید: او ثقه و شیعه است. مثل این جمله در تهذیب التهذیب جلد ۱ صفحه ۸۱ آمده است.

(۱۱) اسماعیل بن عباد الصاحب: او شیعه است و ابوداود و ترمذی از او احادیثی را نقل کرده اند (میزان الاعتدال ۲۱۲/۱).

(۱۲) اسماعیل بن زکریا الخلفانی: چهار شخص مذکور از او احادیثی را نقل کرده اند وی صدوق و شیعی است و ابن معین به او اعتماد داشت (میزان الاعتدال ۲۲۸/۱).

(۱۳) تلیدین سلیمان الأعرج: احمد می گوید: «وی شیعه است، ما هیچ گونه ایرادی در او ندیدیم، ترمذی راوی او بوده است» (میزان الاعتدال ۳۵۸/۱).

(۱۴) علی بن منیر الطریقی: نسائی، ترمذی و ابن ماجه از او احادیثی را روایت کرده اند و ابن ابی حاتم می گوید او صدوق و ثقه است و نسائی می گوید: او شیعه‌ی خالص است (میزان الاعتدال ۱۵۷/۳).

(۱۵) محمد بن فضیل بن غزوان: صاحبان سنن (ابن ماجه و ترمذی) از او احادیثی را روایت کرده اند او کوفی صدوق و مشهوری است، ابن معین او را موثق می داند و احمد می گوید: او حسن الحدیث است و ابوداود گفته است: مذهب او تشیع می باشد (میزان الاعتدال ۱۰/۴).

(۱۶) سعید بن خثیم: ترمذی و نسائی راوی احادیث او بودند و ابن حبی بن معین پرسیده شده: آیا او شیعه است؟ او در پاسخ گفته است: بله او شیعی و ثقه است (میزان الاعتدال ۱۳۳/۲).

(۱۷) عدی بن ثابت: صاحبان سنن راوی احادیث او بودند ذہبی می گوید: او عالم شیعه صدوق و خطیب و امام جماعتشان بوده است. ابوحاتم می گوید: او صدوق است و ابن معین می گوید: او شیعه تندرو و متعصبی است (میزان الاعتدال ۴۲/۳).

اینها تعداد اندکی از محققین شیعه و راویان آن بوده اند، بخاری، مسلم و صاحبان کتاب های سنن، مجموعه های معتبر حدیثی راویان برخی از آنها بودند و برخی دیگر، از اساتید بخاری و مسلم بودند و با تأکید بر تشیع آنها، بر آنها در احادیثشان استناد می کردند. اگر ما می خواستیم بصورت دقیق نام بزرگان شیعه را در اسناد صحاح و مسانید بیابیم به ۲۰۰ تن یا بیشتر می رسید و این دال بر اینست که معیارشان در پذیرفتن اخبار، صداقت و دقت راوی است و اختلاف در مذاهب و عقاید به صحت احادیث ضربه نمی زند و با توجه به مطالب مذکور بطلان سخن شخص مخالف با احادیث مهدی (عج) (با ادعای ساختگی بودن آنها از سوی شیعه) روشن می شود. ما پیش تر گفتیم که این احادیث به شیوه ی خودشان، به کثرت بیان شده است و حافظان و بزرگان حدیث بر این امر، گواهند و بنابر آنچه ابن حجر، البانی و غیره گفتند، استناد دادن حدیث به شیعه، به صحت حدیث خللی وارد نمی کند و این مسأله در علم حدیث مقرر شده است و دلیل آن کثرت نام بزرگان شیعه در کتاب های صحاح، سنن و مسانید است و اینکه احادیث بسیاری را از آنها روایت کرده اند و به آنها استناد کرده اند.

(د) دانشمندان و محققان اهل سنت، احادیث مخالف با احادیث مهدی (ع) و آن احادیثی که از حدیث لفظی یا معنی منافی احادیث مربوط به مهدی (عج) می شود ضعیف شمرده اند مانند حدیث محمد بن خالد الجندی که از انس نقل کرده که پیامبر (ص) فرمود: «جز عیسی (ع) مهدی ای نیست» آن را جعلی و ساختگی دانسته اند.

ابن حجر می گوید ابوالحسن ابری در کتاب مناقب الشافعی می نویسد: اخباری پیرامون اینکه حضرت مهدی (عج) از این امت است و عیسی پشت سر او، نماز می خواند، بسیار متواتر می باشد» و این جمله ابوالحسن ابری، حدیثی که ابن ماجه از انس نقل کرده را نقض می کند [حدیث لامهدی (لاعیسی) (فتح الباری ۳۵۸/۶) سپس ابن حجر در ردّ این حدیث به تفصیل سخن گفت و فتنی گفته است: این حدیث، باطل است (تذکره الموضوعات، ۲۲۳) ذہبی می گوید: این خبر (حدیث) منکر و مکتوب است و از دی می گوید: ابن جندی تکذیب کننده‌ی حدیث است (میزان الاعتدال ۵۳۵/۳).

ابن جوزی می گوید: «ابن حمدان رازی این حدیث را باطل می داند» (فیض القدر ۳۶۲/۶). و نسائی می گوید: «این حدیث منکر و تکذیب شده است» و بیهقی گفت: «تنها جندی این حدیث را نکر کرده است». و حاکم می گوید: «محمّد بن خالد مجهول است».

ابن الجوزی می گوید: او منقطع است و احادیثی که بر خروج مهدی (عج) تصریح شده است از حدیث سند، صحیح و مستند می باشد (العلل المتناهیه فی الاحادیث الواهیة ۸۶۲/۲). و مثل این جمله در المنار المنیف صفحه ۱۴۳ و ۱۴۸ آمده است.

بیهقی و حاکم این حدیث را ضعیف شمرده اند و در میان رجال این حدیث ابان بن صالح وجود دارد که شخصی متروک الحدیث است. [تحفه الاحوذی ۴۰۲/۴، عن المعبود ۲۴۴/۱۱] همچنین ربک: تهذیب الکمال ۱۵۰/۲۵، و تهذیب التهذیب ۱۲۶/۹ و تاریخ دمشق ۵۱۸/۴۷.

مطالب مذکور علاوه بر تصریح بر قطعی بودن تواتر احادیث مهدی (عج) و شهرت آن بین حافظان حدیث در همی زمان ها و موضوع بودن احادیث معارض با احادیث مهدی (عج)، همگی بر صحت نقل این احادیث از سوی پیامبر (ص) دلالت می کند.

۱۶- موین شبهه‌ای که بر احادیث مهدی وارد آمده اینست که: این احادیث از اسرائیلیات یعنی ساخته‌ی یهود است و ما در صفحات قبل بطور کامل (در جواب به شبهه ی دوم) به شبهه ی وضع و ساختگی بودن حدیث جواب دادیم و خلاصه کلام اینست: احادیث مهدی (عج) به حدّ تواتر رسیده و این احادیث نزد آنان در همی زمان ها مشهور است و اسناد آن احادیث مستند است و حافظان به روش خود، از بیش از بیست صحابه

به خاطر دو مسأله‌ی مذکور (دو شبهه‌ی وارده بر احادیث مهدی «عج») و اینکه بر هر مسلمانی واجب است که در صحت اخبار رسول خدا (ص) شک نکند بر آن دیدم که سخن پیرامون این موضوع را تحت عنوان «عقیده اهل سنت در مورد مهدی منتظر» بیاورم.

و از باب مقدمه عناوین موضوع را در ذیل ذکر می‌کنم :

اول : ذکر نام صحابه‌ای که احادیث مهدی (عج) را از رسول اکرم (ص) روایت کرده‌اند.

دوم : ذکر نام بزرگانی که احادیث و اخبار وارده از مهدی (عج) را در کتاب‌هایشان آورده-

اند.

سوم : نام علمایی که تألیفاتی را به مسأله‌ی مهدی (عج) اختصاص داده‌اند.

چهارم : ذکر نام کسانی که تواتر احادیث مربوط به مهدی (عج) را حکایت کرده‌اند و سخن

ایشان را در این خصوص آورده‌ایم.

پنجم : ذکر برخی از احادیث مربوط به امام مهدی (عج) در کتاب صحیحین (صحیح بخاری

و مسلم).

ششم : ذکر برخی احادیث پیرامون مهدی (عج) در غیر این دو کتاب، و سخن پیرامون

اسناد برخی از آن احادیث نیز آمده است.

هفتم : نام برخی از علمایی که به احادیث مهدی (عج) استناد کرده‌اند و اعتقاد به حتمی

بودن آن دارند و سخن آنها را در این خصوص ذکر کرده‌ایم.

هشتم : نام کسانی که احادیث مربوطه به مهدی (عج) را انکار نموده‌اند و یا در آن شک

و تردید داشته‌اند و من بر آن دست یافتم، با بررسی اجمالی سخن آنان.

نهم : ذکر بعضی از آنچه که احتمال تعارض آن با احادیث وارد شده در خصوص مهدی (ع)

می‌رود و پاسخ به آن.

دهم : سخن پایانی.

اول : نام صحابه‌ای که احادیث مهدی (عج) را از رسول اکرم (ص) روایت کرده‌اند

من تعداد صحابه‌ی راوی را ۲۶ نفر یافتیم^{۱۷} و نام آنها :

www.ketab.ir

۱۷- مؤلف نام «عوف بن مالک» را در شماره ۱۷ و ۲۳ دوبار تکرار کرده و تعداد صحابه ۲۵ نفر هستند، نام صحابه بطور کامل ذکر نشده و تعدادشان بیشتر از این حدی است که آورده شده در پاورقی های بعد به آن اشاره خواهد شد.